



روشنفکری به ادا و اطوار و طرح مباحث مدرن و پست مدرن و ساز مخالف نواختن نیست

یک عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه از مهمترین ویژگیهای روشن فکر راستین آزاداندیشی است ...

فناپی اشکوری:

روشنفکری به ادا و اطوار و طرح مباحث مدرن و پست مدرن و ساز مخالف نواختن نیست. یک عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی امام خمینی(ره) با بیان اینکه از مهمترین ویژگیهای روشن فکر راستین آزاداندیشی است گفت: روشنفکری به ادا و اطوار و طرح مباحث مدرن و پست مدرن و ساز مخالف نواختن نیست. شاخصه اصلی روشنفکری راستین حقیقت خواهی و حقیقت جویی است و لازمه حقیقت جویی آزاداندیشی است. اندیشه و تفکر راه است برای نیل به حق و حقیقت. بنابراین، ارتباط وثیقی بین آزاد اندیشی و حقیقت خواهی هست. آزاداندیشی مقتضی بهره‌گیری از راه‌هایی است که به حقیقت منتهی می‌شود و طرد و رفض موانعی که در راه رسیدن به حقیقت وجود دارد. آزاد اندیشی کیمیای نایابی است. آزاد اندیش کسی است که جز حقیقت دغدغه دیگری ندارد. رها از تعصبات و خودمحوری است. یکی از علائم فرد آزاداندیش این است که از انتقاد از خود استقبال می‌کند و با منتقد منصف برخورد مثبت می‌کند و از منتقدی که نقد منطقی و منصفانه از تفکر او کرده و ضعفهایش را نشان داده است سپاسگزاری می‌کند.

متأسفانه چنین کسانی را به سختی می‌توان یافت. در این قضیه بین دیندار و دین‌گریز و تجددگرا و سنتی هم فرقی نیست. نوع تعصبات و متعلقشان فرق می‌کند، نه اصلش. به عنوان نمونه بنده از سنخ‌ها و صنف‌های گوناگون نقد کرده‌ام، اما مواجهه مناسبی با نقد ندیده‌ام. نقدهایی هم که کرده‌ام به اعتراف کسانی که دیده‌اند منطقی و همراه با احترام بوده است، اما ندیدم کسی از این نقدها خرسند شود. این ادعای بنده آزمون‌پذیر و قابل ارزیابی است. معمولاً از نظر نقد شونده منتقد یا جاهل است یا مغرض یا هر دو.

این یک مشکل عمیق فرهنگی، اخلاقی و تربیتی است که ریشه در تاریخ ما دارد و عوامل مختلف فردی و اجتماعی دارد. انسان به طور غریزی خودخواه و خودمحور است. وقتی انسان به قدرت و شهرت می‌رسد اعم از قدرت سیاسی یا نفوذ دینی یا هر نوع قدرت دیگر این غریزه قوی تر می‌گردد و میدان عمل گسترده‌تری پیدا می‌کند. تنها با آموزش و پرورش، تعلیم و تمرین و حاکمیت قانون می‌توان خودخواهی را مدیریت و مهار کرد. جایی که قدرت منطقی ضعیف باشد منطقی قدرت حرف اول را می‌زند. بی‌شک یک عامل مهم در این زمینه حاکمیت نظام‌های استبدادی در طول تاریخ ما بوده است، اما این امر تدریجاً به صورت یک فرهنگ درآمده است که حتی با سرنگونی نظام استبدادی همچنان باقی است.

از مهمترین ویژگیهای روشن فکر راستین آزاداندیشی است و چون آزاداندیشی کیمیاست روشن فکر راستین هم بشرح ایضا. روشنفکری به ادا و اطوار و طرح مباحث مدرن و پست مدرن و ساز مخالف نواختن نیست. شاخصه اصلی روشنفکری راستین حقیقت خواهی و حقیقت جویی است و لازمه حقیقت جویی آزاداندیشی است.

تولید علم در برخی از حوزه‌ها ارتباط زیادی به آزاد اندیشی به مفهومی که ما در نظر داریم ندارد. در بسیاری از موارد انگیزه تولید علم، رفع نیاز و سودجویی و نیل به قدرت است، چنانکه در بسیاری از علوم که به تکنولوژی و قدرت منتهی می‌شود چنین است. اما در حوزه‌های علوم دینی، فلسفی و بخش‌هایی از علوم انسانی و اجتماعی که با باورها و ارزشها و دلبستگی‌ها پیوند دارد بدون آزاداندیشی یا علمی تولید نخواهد شد و یا روند تولید علم بسیار کند خواهد بود. در هر حال آزاد اندیشی در هر حوزه‌ای به تسریع رشد تولید علم کمک می‌کند.

موانع آزاد اندیشی را می‌توان به دو دسته درونی و بیرونی تقسیم کرد. موانع اجتماعی و سیاسی از سنخ موانع بیرونی هستند و موانع فکری و اخلاقی موانع درونی هستند. هر دو مانع در منع آزاد اندیشی مؤثرند. گاهی قدرت بیرونی اعم از حاکمیت، گروه‌های فشار و جامعه مخالف نشر یک اندیشه است و گاه مانع در درون فرد است. عوامل بیرونی به معنای دقیق کلمه و بطور مستقیم نمی‌توانند مانع آزاد اندیشی باشند، چرا که اندیشه در خلوت ذهن افراد جریان دارد و کسی نمی‌تواند مانع آن باشد. این عوامل می‌توانند از نشر و اظهار اندیشه ممانعت کنند که بطور غیر مستقیم در منع اندیشه مؤثر است. اگر با نشر و اظهار اندیشه‌ای مخالفت شود و اندیشه مجال بروز پیدا نکند تا حد زیادی زمینه و انگیزه اندیشیدن هم از بین می‌رود. اما آزاد اندیش واقعی که یکی از ویژگی‌هایش شجاعت است تسلیم اینگونه شرایط هم نمی‌شود.

اما مهمتر از موانع بیرونی موانع درونی است. موانع درونی نه تنها مانع نشر و اظهار اندیشه می شوند، بلکه قبل از آن مانع اندیشیدن می شوند. مهمترین موانع درونی عبارتند از موانع اخلاقی، تربیتی و اعتقادی. موانع اخلاقی و روانی مثل علائق، منافع، ترس، تعصب، تقلید، بدبینی و خوشبینی موجب خود سانسوری و انسداد تفکر می شوند؛ چنانکه موانع فکری و اعتقادی نیز راه تفکر را می بندند. جامعه ما دچار هر دو دسته از موانع است. جریانی در جامعه ما هست که بنام دین با تفکر عقلی سر ستیز دارد و تفکر آزاد و مستقل را امری شیطانی می داند. جریان هایی هست که هر نوع علمی که ریشه در کتاب و سنت نداشته باشد را باطل و مردود می دانند و آموختن علم از غیر مسلمانان و حتی غیر شیعیان را نامجاز می دانند. کسانی همه علوم و اندیشه های جدید را محصول ولایت ابلیس و یکسره باطل می دانند.

اینها حتی فلسفه، منطق، عرفان و کلام اسلامی را هم به دلیل ارتباطی که از جهت تاریخی با تفکر یونانی دارد پوچ و کفرآمیز می دانند. جمعی ادبیات غنی و عرفانی فارسی که در جهان بی نظیر و مایه مباهات ایرانی هاست را مثنوی اباطیل می دانند و امثال حافظ و مولوی را تفسیق و تکفیر می کنند. با این نوع نگاه و تفکر سخن از آزاد اندیشی راندن آب در هاون کوبیدن است. جمعی دیگر مسحور غرب و دلباخته مکتبهای مختلف غربی و اندیشه های آن سویی هستند و راه نجات و ترقی را دنباله روی و اقتباس بی چون و چرا از آن فرهنگ می دانند. در فلسفه و علوم انسانی و انواع هنر مثل سینما و تئاتر و موسیقی و سبک زندگی، غرب را ایده آل و آرمانشهر خود می دانند. برای این جمع نیز سخن از آزاداندیشی معنایی ندارد.

بعضیها تفکر و اظهار نظر را حق انحصاری خود می دانند و برای دیگران حق تفکر قائل نیستند، به خصوص اگر دیگران به نتیجه ای متفاوت برسند. استبداد به رأی از استبداد سیاسی بدتر بلکه منشأ آن است. ریشه همه این بیماری هم خودخواهی و کوته بینی و گاه تفسیر قشری و متحجرانه از دین است.

غرض القای نگاه بدبینانه و ایجاد یأس نیست، بلکه غرض توجه دادن به مشکلات و موانع و دشواری مقوله ای چون آزاداندیشی است. کسانی که در اندیشه آزاداندیشی هستند باید بدانند که چه گردنه ها و کتل هایی سهمگینی را در پیش رو دارند و چه جهاد عظیمی است شکستن این سدها و دریدن این حجابها و البته همانقدر که سخت و صعب است همانقدر هم شکوهمند و بهجت انگیز و برکت خیز است که [#171؛افضل الاعمال احمزها](#)».

بسیارند کسانی که شعار آزاداندیشی می دهند، اما در عمل بهره ای از آن ندارند. خیلی ها مفهوم آزاداندیشی را ستایش می کنند، اما مصادیقش را برنمی تابند، چنانکه مقولاتی مثل نوآوری و عدالت و حقوق بشر نیز چنین سرنوشتی دارند. کسی از مفهوم عدالت هراسی ندارد و با آن نمی جنگد، اما بسیاری کسانی که از مصداقش می گریزند و حتی زیر پوشش عدالت با واقعیتش می ستیزند. کسانی که امیر المؤمنین (ع) را بخاطر عدالتش خانه نشین و شهید کردند، هیچگاه با واژه و مفهوم عدالت مخالفت نکردند.

اینان دوست دارند به عنوان مدافع آزاد اندیشی شناخته شوند اما بدون اینکه به لوازم آن ملتزم باشند و هزینه ای برای آن بپردازند و به فضیلتی شناخته شوند که از آن برخوردار نیستند. اینها از مصادیق این آیه شریفه اند که می فرماید: و یحبون ان یحمدو بما لم یفعلوا. بنده راهکاری بهتر از آموزش و تربیت سراغ ندارم. برجسته کردن ارزشهایی همچون عقلانیت، حقیقت جویی، سعه صدر، انصاف و نقدپذیری باید در برنامه های تربیتی و اخلاقی ما جایگاه رفیعی داشته باشد. چنانکه گفتیم، آزاداندیشی با مقولاتی چون عدالت و قانون مرتبط است. از این رو مدیریت جامعه نیز نقش تعیین کننده ای در این زمینه می تواند داشته باشد.*

*برگرفته از مصاحبه دکتر محمد فنایی اشکوری، عضو هیئت علمی مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، منتشر شده در فصلنامه علوم انسانی اسلامی [#171؛صدرا](#)، شماره 4 و 5. زمستان 91 و بهار 92.

کلید واژه های مطلب: دکتر محمد فنایی اشکوری | عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی | کرسی آزاداندیشی |